

پیمان امنیتی؛ پیمان ذلت و مرگ



امروز - 30 سپتمبر- مصادف است با چهارمین سالروز امضای پیمان امنیتی میان افغانستان و امریکا. حکومت وحدت ملی این پیمان را در 24 ساعت نخست، در سال 2014 میلادی با امریکا به امضاء رساند. این پیمان یکی از ننگین ترین پیمان ها در تاریخ افغانستان است که صفحه‌ی دیگری از جنایات امریکا در این سرزمین را ورق زد. پیمانی که تعدادی آن را مایه خیر و صلاح مردم و یک دستاورد می دانستند و تأکید داشتند که با امضای این موافقت نامه افغانستان گام بزرگی را در جهت رشد و توسعه در عرصه های مختلف برخواهد داشت. اما تمام این آرزوها و خیا پردازی ها دروغ ثابت شد، هرچند، از اول هم معلوم بود که داشتن چنین دیدگاه اشتباه و حماقت سیاسی است.

اما سوال این جاست که این پیمان چقدر به نفع مردم افغانستان بوده و تا چه حد توانسته گره از مشکلات مردم بگشاید؟

در آغاز باید به چند مورد اشاره کرد:

اول: پیمان امنیتی کابل-واشنگتن بزرگترین هدفش به میان آوردن امنیت و صلح و ثبات در افغانستان بود؛ اما با گذشت چهار سال نه امنیتی وجود دارد و نه هم صلح و ثباتی که مردم توقع آن را داشتند. این در حالی است که با گذشت هر روز بر دامنه‌ی جنگ و ناامنی افزوده می شود و رقم تلفات ملکی و نظامی در افغانستان اوج می گیرد. چنانچه، بر بنیاد آمارهای سازمان ملل، نزدیک به پنجاه هزار غیر نظامی بعد از امضای این پیمان در افغانستان کشته شده اند.

همچنان رقم تلفات نظامیان افغان نیز بعد از امضای این پیمان به مراتب بلند رفته و دلیل عمده آن قرار گرفتن نیروهای نظامی افغان در خط مقدم جنگ است. چنانچه بعد از امضای این پیمان، امریکا نیروهای نظامی خود را از میدان های جنگ بیرون کشید تا آتش جنگی را امریکا می افروزد، چوب سوخت آن نیروهای نظامی افغان باشند. چنانچه، گزارش اخیر روزنامه نیویارک تایمز می رساند که تلفات روزانه نیروهای امنیتی افغان 57 نفر می باشد.

دوم: گسترش ناامنی در نقاط مختلف افغانستان نیز از موارد دیگری است که می توان آن را به پیمان امنیتی کابل-واشنگتن نسبت داد. چنانچه، در ماده دوم این توافق نامه آماده است که "برای تقویت امنیت و ثبات در افغانستان، مبارزه با تروریسم، سهیم گیری در صلح و ثبات... تلاش صورت خواهد گرفت." اما بعد از گذشت چهارسال از پیمان امنیتی، نزدیک به 70 درصد خاک افغانستان خارج از کنترل دولت و در معرض تهدید قرار دارد. و با گذشت هر روز گراف ناامنی در نقاط مختلف در حال افزایش و دامنه آن در حال وسیع تر شدن است.

سوم: فقر و بیکاری یکی از مشکلات دیگری است که دامن گیر مردم افغانستان گردیده است. چنانچه، سروی اداره مرکزی احصائیه افغانستان نشان می دهد که بیش از 54 درصد مردم افغانستان زیر خط فقر بسر می برند. یعنی بیشتر از نصف جمعیت افغانستان ماهانه کمتر از 2 هزار و 60 افغانی در آمد دارند که با این مقدار درآمد به سختی می تواند شب و روز خود را سپری کنند. همچنان بر اساس آمار ارایه شده از سوی بانک جهانی، بیش از 2 میلیون نفر که باید کار کنند، در افغانستان بیکار هستند. بیکاری معضلی که باعث شده جوانان با سرخوردگی و ناامیدی بخاطر پیدا نمودن کار این سرزمین را ترک گفته و با قبول نمودن انواع و اقسام مشکلات راهی کشورهای اروپایی شوند.

این ها همه نتایج همان پیمان ذلت بار امنیتی است که امضای آن به خیر و صلاح مردم گفته می شد. در حالیکه این پیمان نه برای آوردن صلح و ثبات بود، نه هم توسط آن توجهی به خواست های مردم افغانستان و رسیده گی به امور آنها صورت گرفته؛ در اصل امضای پیمان امنیتی تضمینی برای حضور دراز مدت امریکا، ایجاد پایگاه ها و مصئونیت قضایی نیروهای امریکایی صورت گرفته که پیامد آن گسترش دامنه جنگ، ناامنی، بی ثباتی، افزایش فقر و بیکاری بود و نه چیز دیگر. با این وجود، مردم افغانستان باید درک کرده باشند که هیچ گاه پیمان بستن با پیمان شکنان؛ با کسانی که دست شان در خون صدها هزار مسلمانان آلوده است به نفع آنها نبوده و انتظار داشتن از کسانی که کوچکترین ارزشی به جان و مال مردم افغانستان قایل نیستند و تنها به دست آوردن منافع شان برای شان اهمیت دارد درست نیست. پیمانی که جز ذلت و خواری نتیجه دیگری برای مردم افغانستان نداشته است.

از این رو، مردم افغانستان نباید بیشترین از این فریب اشغال گران و دست نشانده های آنها را خورده و همچنان نسبت به پیمانی که جز ذلت و خواری نتیجه دیگری برای آنها ندارد بی تفاوت باشند. بایست اندیشه از میان بردن این پیمان ننگین در میان مردم فضاگیر شود تا قتل و کشتاری که به این بهانه صورت می گیرد پایان یابد. از جانب دیگر، شرایط بد امنیتی، فقر، بیکاری و سایر مشکلاتی که امروز بر سر مردم سایه افکنده است پایان نخواهد یافت تا این که دست اشغال گران از این سرزمین قطع و پیمان هایشان باطل گردد.

سهیل صالحی